سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ۱-۱۲.

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

http://koran.lu.ac.ir

دانشگاه لرستان

مقاله پژوهشی

تأثیرپذیری معروف عبدالمجید از کلام الهی

نعیم عموری [1]، مسعود باوان‌پوری [2*]

[1] دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

[2*] دانشجوی دکتری گروه زبان وادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

چکیده

به‌کارگیری واژه‌های دل انگیز و تعابیر روحبخش قرآنی در سروده‌ها و نوشته‌های پیشینیان و معاصران، فراوان به چشم می‌خورد. در بلاغت قدیم از شیوه‌های تأثیر پذیری از قرآن با عناوینی چون :تضمین، تلمیح، عقد و... و در نقد قدیم با تعابیری چون :متناقضات، سرقات و... .یاد شده است. اشعار معروف عبدالمجید، شاعر معاصر شیعه‌شدهٔ مصری، به ویژگیِ تأثیرپذیری از قرآن، برجسته و متمایز گشته است. بررسی، تبیین و تشریح اشعار وی از این منظر و بیان انواع ملهمات وی از قرآن کریم از اهداف مقالهٔ حاضر است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. از ویژگی‌های بارز سروده‌های معروف، پرداختن به مسئلهٔ غدیر و وحدت امّت اسلامی است. یافته های تحقیق نشان می‌دهد که شاعر، هدفمندانه و در راستای پرداختن به این مضامین، گاهی به ایجاد ارتباط شعر خویش با مضمون و مفهوم آیاتی از قرآن کریم مبادرت ورزیده است که در شأن و منزلت اهل بیت (ع) و ولایت علی (ع) نازل شده‌اند.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:
۱۴۰۰/۶/۱

پذیرش نهایی:
۱۴۰۰/۱۲/۵

واژگان کلیدی:
قرآن کریم، تأثیرپذیری از کلام الهی، معروف عبدالمجید

* نویسندهٔ مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: n.amouri@scu.ac.ir

استناد دهی به مقاله:

- عموری، نعیم؛ باوانپوری، مسعود (۱۴۰۱). تأثیرپذیری معروف عبدالمجید از کلام الهی، د وفصلنامهٔ پژوهش های قرآنی در ادبیا ت، .سال ششم، شمارهٔ اول (پیاپی ۹). صص ۱-۱۲.

Doi:10.52547/koran.7.1.1

۱. مقدمه

۱,۱ بیان مسألهٔ پژوهش

قرآن، کتاب دینی و اعتقادنامهٔ همهٔ مسلمانان جهان است. این کتاب حکمت و هدایت، نظر به تعالی انسانها از خاک تا افلاک دارد و اساساً آمده است که آدمیزادگان را از مغاک شهوات پست حیوانی به اوج افلاک و سفرهای علوی و آسمانی برساند. کتابی که با گذشت هزار و چهار صد سال، با زندگی آنان عجین شده و گویی با رگ و پوست و خون آنان درهم آمیخته است و «معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است.» (حلبی، ۱۳۷۴: ۱۱) لذا خواندن،درک مفاهیم و آموزش این کتاب بزرگ به منزلهٔ زیستن وحیات دوبارهٔ ما با قرآن است. ادب عربی در پرتو قرآن کریم به زیباترین شکل ممکن تعالی یافته و به صورت درخشان‌ترین ادب ملّل جهان درآمده است و ادیبان و شاعران از دیرباز در آثار خویش به آیات قرآنی توجه داشته و از آنها بهره برده‌اند زیرا «قرآن کریم به ادیبان و نویسندگان اجازه داده الفاظی را انتخاب کنند که توافق و مناسبت بیشتری با معنا داشته باشد.» (مغنیه، ۱۹۹۵: ۵۴) از آنجا که قرآن کریم معیار فصاحت و بلاغت در نزد عرب بوده است، شاعران و نویسندگان کوشید هاند با استفاده از الفاظ سحرانگیز و معانی والای آن، توانایی خود را در به کارگیری الفاظ و مضامین نشان داده و نیز با استشهاد به آن، تأثیر سخن خود را فزونی بخشند و در پناه قداست و حرمت کلام ربّانی، حلاوت اندیشههای خود را صدچندان ساخته، آن را ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر نمایند زیرا «بکارگیری و بازخوانی قرآن کریم در متون شعری یعنی اعطای مصداق بودن به شعر و بالا بردن ارزش آن به خاطر قداست و اعجاز قرآن کریم.» (جربوع، ۲۰۰۲: ۱۳۴) معروف عبدالمجید، شاعر معاصر مصری که به تشیع گرویده، در دیوان خویش، از الفاظ و معانی قرآنی بهره گرفته و آنها را به زیباترین شکل ممکن در شعر خویش منعکس نموده است؛ شاید دلیل آن به این نکته برگردد که «قرآن کریم ارزشمندترین اثری است که شاعران با آن به عنوان یک میراث ادبی و دینی و جامع و کامل، تعامل داشته‌اند.» (رستم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۹) روش شاعریِ وی استفاده از آیات و مفاهیم و اشارات قرآنی است که شاید سبب این امر به توجه ارادی و غیرارادی شاعر به قرآن کریم و ایمان راستین وی به این موضوع است که الهام گرفتن از قرآن دارای اهمیت ویژه‌ای در بالا بردن نام شاعر در میان شاعران دیگر دارد. مقاله حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی دیوان "بلون الغار بلون الغدیر" شاعر، بهره‌گیری وی از الفاظ و مضامین والای قرآنی را در قالب مواردی چون اقتباس، تضمین، تلمیح و ... مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۲. مفاهیم و کلیات بحث

قرآن کریم از زمان نزول تا زمان حاضر، به خاطر وحیانی بودن و در نتیجه برخورداری از جمال لفظی و معنوی غیرقابل وصف، همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. در هر دوره و زمانی اصحاب شعر و ادب به فراخور ذوق و استعداد خویش از گنجینه‌های بی‌پایان الفاظ، معانی و اسالیب آن بهره برده‌اند. البته تأثیرپذیری از فرهنگ غالبِ جامعه امری بدیهی است، از این رو هر ادیب مسلمانی کم و بیش، خودآگاه و ناخودآگاه از میراث فرهنگی-اسلامی که خود بر شالودهٔ قرآن بنا نهاده شده، به نحوی بهره‌مند بوده و این امر موجب شده است که از دیرباز بررسی تأثیر قرآن کریم بر اندیشه‌ها و جلو ههای لفظی و معنوی شاعران مسلمان، مورد علاقه ادب‌پژوهان قرار گیرد. با نگاهی گذرا به آثار ادیبان و شاعران، بخصوص مسلمان، پیداست که بسیاری از عبارات و تعبیرات و اشارات و استدلال‌های آنها، ملهم از کتاب مبین قرآن کریم است که در قالب مباحثی مثل تضمین، تلمیح، اشاره و اقتباس و نیز در زمینهٔ نقدی به سرقات، معارضات و مناقضات مطرح است. (ر.ک عزام، ۲۰۰۱: ۴۲)

البته از قبل از نزول اسلام نیز مباحثی این چنین مطرح بوده است؛ محمد بنیس معتقد است که شعر قدیم عرب به خاطر وجود ارتباط میان متون رشد و تعالی یافته است و در این زمینه مقدمهٔ طللی را مثال زده است و معتقد است سنت شعریِ وقوف بر اطلال و دمن و گریستن بر آنها سبب ایجاد

یک افق گسترده در ورود قصاید شاعران به یک فضای مشترک گشته است. (ر.ک بنیس، ۱۹۷۹: ۱۸۲)

شعر امرؤالقیس کندی نیز بخوبی بیانگر تأثیرپذیری شاعران از یکدیگر بوده است و نیز اینکه گریستن بر اطلال و دمن محبوب در واقع کاری تکراری در میان شاعران بوده است:

عوَجاً علی الطللِ المحیلِ
نبکی الدِّیَار کما بکی بن خذام

(امرؤالقیس، ۱۹۸۹: ۲۸۱)

ناقدان قدیم ادب عربی به پدیدهٔ تداخل بین متون اهتمام خاصی داشته و بیشترین توجه را به بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث داشته‌اند مانند این شعر از ابن رومی:

لقد أنزلتُ حاجاتی
بوادٍ غیر ذی زرعِ

(ابن الرومی، ۱۴۰۷ ق: ۲۶۵)

این بیت، برگرفته از قرآن کریم است «رَبَّنَا إِنِّی أَسْکَنْتُ ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ» (إبراهیم: ۳۷)
سخن از اقتباس و تأثیر، باید با سخن از اثر قرآن کریم در زبان و ادبیات عرب آغاز شود، چرا که قرآن منبع و مصدر تمام علوم و معارف عربی است. (فکیکی، ۱۹۹۶: ۷)

۲,۱ زندگی‌نامه و تشیع شاعر

معروف عبدالمجید محمد به سال ۱۹۵۲ میلادی، در استان قلیوبیهٔ مصر به دنیا آمد. تحصیلاتش را در دانشگاه الازهر و در رشتهٔ زبان و ادبیات سامی به پایان برد؛ سپس در دانشگاه ایتالیا در رشتهٔ کتیبه‌های سامی فارغ التحصیل شد؛ پس از آن هم مدرک رشتهٔ آثار باستانی روم و یونان باستان را از دانشگاه‌های زوریخ سوئیس وگوتینگ آلمان أخذ کرد. (خزعلی، ۱۳۸۳: ۳۴۲) معروف عبدالمجید، علاوه بر تسلط کامل بر زبان و ادبیات رب، به چند زبان زندهٔ دنیا آشنایی کامل دارد. وی درسال ۱۹۸۴ میلادی و پس از چند سال مطالعه و تحقیق و جستجو مستبصر شده و به مذهب اهل بیت (ع)، گرویده است و هم‌اکنون به تدریس در محیط‌های دانشگاهی و فعالیت در رسانه‌های گروهی، از جمله رادیو و تلویزیون برون مرزی ایران مشغول است. علاقهٔ شدید وی به نویسندگی و سرودن شعر سبب شد کتابهای خود را با هزینهٔ شخصی به چاپ برساند. او از شعرای آیینی مصر است و پس از شیعه شدن، اشعار بسیاری در مدح اهل بیت (ع) سروده است که در پایگاه شعراء اهل البیت در قسمت الموسوعة الشعریة حسب الدول الحالیة در بخش شعرای مصر موجود است. (وبسایت شعرای اهل بیت (ع)) او در زمان حکومت مبارک، بیست و هشت سال در تبعید بوده است و در این باره می‌گوید: «کشور مصر سالها زیر سلطهٔ حکومت ظالم مبارک بود و ما جرأت فعالیت‌های این چنینی آشکار را نداشتیم به گونه‌ای که من ۲۸ سال تبعید بودم و از خارج، امور را هدایت میکردم.» (مصاحبه با فارس نیوز) وی در انقلاب اخیر مصر، پشتیبان و مشوق نقلابیون مصر بود. او آثار بسیاری دربارهٔ اهل بیت (ع) و حوادث منطقه از خود برجای گذاشته است. برخی از آثارش عبارت است از:

۱- کتاب «أنا الحسین ابن علی» که در قالب رمان دربارهٔ واقعهٔ به کربلا نگاشته شده است؛ این کتاب با نام: «مرگ سرخ» فارسی ترجمه شده است. ۲- «معلقة علی جدار الأهرام» مجموعه اشعار اوست که در سال ۱۴۱۸ ق./ ۱۹۹۷ م به چاپ رسیده و شامل ۱۴ قصیده است. ۳- «أحجار لمن تهفو لها نفسی»: مجموعه اشعاری که در ۱۴۱۸ق./ ۱۹۹۷ م انتشار یافته و موضوع آن فلسطین، انتفاظه و قدس است. ۴- «وینصتون عندها سقیفة» چاپ شده است. ۵- «أکاسیا للفراعنة»؛ مجموعه داستان‌های کوتاه او در موضوعات گوناگون است. ۶- «أمریکا فی فکر الإمام الخامنه‌ای» که ترجمهٔ کتاب امریکا از دیدگاه رهبری به زبان عربی است. ۷- «بلون الغار بلون الغدیر»: دیوان شعری است که در آن اشعاری در مدح پیامبر (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (س) و امام حسین (ع) آمده است که برخی از اشعار آن در قالب کلاسیک و برخی شعر نو است. ۸- «حدیث الولایة»؛ ترجمه به عربی. ۹- «الحوزة من منظار الإمام الخامنئی»؛ ترجمه به عربی ۱۰- «یکاد زیتها یضیء» که جدیدترین دیوان شعری اوست که در

آن به مدح و رثای اهل بیت (ع) پرداخته است و برخی از اشعار آن در قالب کلاسیک و برخیی دیگر شعر نو است.

۲,۲ پیشینهٔ پژوهش

با جستجو در سایتهای مختلف اینرنتی، پژوهش‌های ذیل دربارهٔ معروف عبدالمجید یافت شد:

- ولوی و کوچکی کوشیده‌اند با نشان دادن مظاهر قیام امام حسین (ع) در اشعار عبدالمجید به تبیین شرایط سیاسی جامعهٔ عربی، به ویژه مصر، پرداخته و بدین وسیله، اهمیت اشعار او را در افروختن شعلهٔ جنبش بیداری اسلامی و انقلاب اخیر مصر هویدا سازند. (ر.ک: ۱۳۹۲: ۱-۱۹)

حاجیزاده و باوانپوری، ضمن معرفی شخصیت شاعر، مدح علوی را در دیوان وی بررسی تبیین کرده‌اند (ر.ک ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۵۹)؛ امّا پژوهشی که به بررسی تأثیرپذیری این شاعر از قرآن کریم پرداخته باشد مشاهده نشد.

۳,۲. پرسش‌های پژوهش

اهمیت شناخت بیشتر این شاعر شیعه شده و نیز تبیین بهره-گیری وی از متون والای دینی، به ویژه قرآن کریم ضرورت این پژوهش را تبیین می‌کند. در راستای همین ضرورت پژوهش حاضر درپی پاسخ به سؤالاتی اساسی است که عبارتند از: ۱-معروف عبدالمجید تا چه میزان از قرآن کریم بهره برده است؟ ۲-معروف عبدالمجید این بهر هگیری را چگونه در شعر خویش نشان داده است؟

۳. اثر قرآن کریم در شعر عبدالمجید

اقتباس از ریشهٔ (قبس) و به معنای پاره آتش برای روشنی و گرمابخشی است (زمخشری، ۱۹۸۸: مادهٔ قبس؛ ابن منظور، بی‌تا: مادهٔ قبس) و در اصطلاح ادبی آن است که «گوینده در نثر یا نظم عبارتی از قرآن یا حدیث را به صورت بیان مطلب اصلی و ادامهٔ سخن درج کند» (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۱۹)؛ در این شیوه، شاعر گزاره؛ یعنی عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی، و یا با اندکی تغییر که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد. (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹) «اقتباس آن است که کلام چیزی از قرآن یا حدیث در بر داشته باشد (حلبی، ۱۹۸۰: ۳۲۳)؛ البته شاعر به گونهای نشان می‌دهد که گفتارش را از کجا گرفته است. (مطلوب، بی‌تا، ج ۱:۲۰۴)

تضمین مصدر باب تفعیل از ریشهٔ (ضمن) است به معنای گنجاندن، امّا معنای اصطلاحی آن «در علم بدیع عبارت است از این که شاعر آیتی از قرآن یا حدیثی از معصوم یا مصراعی یا بیتی یا دو بیتی از شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سرودهٔ خود می‌آورد؛» (حلبی، ۱۳۷۴: ۶۰) امّا «این صنعت در کاربرد قرآن و حدیث، به صورت گرفتن بخشی از یک آیه یا تمام آیه و ذکر آن در یک مصراع یا در چند عبارت، صادق است.» (راشد محصل، ۱۳۸۰: ۲۱) ابن اثیر تضمین را این گونه تعریف کرده است: «این که شاعر یا ادیب، شعر یا نثر خویش را با کلامی از دیگری به قصد کمک به تأکید معنای مورد نظر خویش به کار گیرد.» (ابن اثیر، ۱۹۵۹: ۲۰۳)

شاعر ضمن اشاره به اقدامات پیامبر (ص) در مسیر پرمشقت خویش که منجر به برپایی اسلام شد از معجزهٔ جاویدان ایشان، قرآن کریم، یاد کرده که هیچ شک و تردیدی در آن نیست که این امر برگرفته از الفاظ قرآنی است:

یا داعیاً لله رّباً واحدًا
و محطّمَ الأوثان و الأصنام
یا مَن أقمت حکومةً شرعیةً
أنعم بها من سلطة و نظامِ...!
العرش منبعها و رافدُها الذي
مما یضم یجود بالاحکام
وکتابها القرآن نوّر ساطع
لاریب فیه هدیً لکلّ مرام

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۴-۱۵)

متن غایب: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (البقرة: ۲)

شاعر به ازدواج آسمانی حضرت علی (ع) با فاطمه زهرا (س) اشاره نموده است که در آن ملائکه و حور العین تهلیل (هلهله) می‌کردند، در لباسهای زیبا می‌خرامیدند و آن دو

بزرگوار را به دو نور تشبیه ساخته است که هرگز غروب نمی‌کنند که حورالعین از الفاظ قرآنی است:

یا بَعْلَ فَاطِمَةٍ، وَ قَدْ زُوجتَها
من فوق سبع، والشهود تُهلّلُ
الخاطبُ الباري، وحور العين حو
لَ العرشِ في حَللٍ السّنَا تَتَدلّلُ
نورٌ و نورٌ زُوّجا، ما النور؟ قِيـ
ـلَ هُما، و نورُ كِلَيهما لا يَأفلُ...!

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۲۷-۲۸)

متن غایب: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (القدر: ۱-۵).

شاعر با بهر هگیری از الفاظ قرآنی امیدوار است که جبرئیل نزول کرده و انسانی کامل را ترسیم سازد که آن را ببینند و با روح خویش در روستاهای آنان پژواکی به یادماندنی و برجسته بِدَمَد تا بعد از سکونی طولانی به پا خیزند:

ما الذي يحدث الان لو أن جبرئيل يأتي / ويمثل بشرًا سوياً
نراه / وينفخ من روحه في قرانا / صدىً عبقرياً / فتنهض بعد الثبات الطويلْ! (عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۱-۱۳۲)

متن غایب: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم: ۱۷)

۳,۱ عقد و تحلیل

عقد عبارتست از به نظم کشیدن نثر به طور مطلق، نه به شکل اقتباس، و از شرایط آن، این است که تمام الفاظ نثر یا بیشتر آن گرفته میشود و ناظم چیزی به آن بیفزاید یا از آن بکاهد تا بتواند در وزن شعر داخل شود. (الهاشمی ۱۳۸۰: ۴۵۸؛ همائی ۱۳۶۱: ۳۴۱)

حل یا تحلیل در لغت یعنی از هم باز کردن و گشودن و در اصطلاح ادیبان، گرفتن لفظ آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از احادیث یا شعری از اشعار یا مثلی در گفتار و نوشتار است، با خارج ساختن آن از وزن یا صورت اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص. (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۸؛ مصاحب و دیگران، ۱۳۸۰ : ذیل حل)

عبدالمجید در قصیده‌هایی که در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است ضمن برشمردن صفات والای ایشان، به بیان مهمترین کار ایشان یعنی انتخاب جانشین شایسته‌شان، حضرت علی (ع)، در غدیرخم اشاره نموده است که با این کار نعمت بر مسلمین اتمام یافته و دینشان کامل گشته است و همگان باید آن را بپذیرند:

الدین قد أکملته، ورضیته
دیناً، و تمّت نعمة بإمام
فمن ابتغی دیناً، فدینک وحده
لا یُبتغی دین سوی الإسلام

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۲)

متن غایب: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (المائدة: ۳) و «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵)

با ظهور دین اسلام اختلافات قبیله‌ای، که به شدت رواج داشت، رنگ باخت و الفت و انس بین مسلمین حاکم گشت. شاعر اعلام کرده که آنها با تصدیق پیامبر (ص) و ایمان به ایشان، به ریسمان محکم الهی چنگ زده‌اند که در آن از قرآن کریم بهره گرفته است:

یا جامع القوم الذین بحوله
ألّفت بین قلوبهم بوئام
ألّفت بینهم، ولولا ربنا
ما کان، لو أنفقت کل أدام
هم صدقوک وآمنوا، فعصمته
بالحبل، حبل الله، خیر عصام

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۳)

متن غایب: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)

عبدالمجید از متفرق شدن امّت پیامبر (ص) به گروه‌ها و دسته‌های مختلف سخن گفته و در ادامه آنان را برادر و امّت واحد دانسته که در آن فرقی بین عرب و عجم وجود ندارد:

یا لیت أمتک التي کادوا لها
فغدت مقسمة إلی أقسام
تدع التعصب والتشرذم جانباً
وتفّرق الرایات و الأعلام
فالمسلمون -و ان تناسوا -أمة
رغم الجراح و شدّة الآلام
و المسلمون -و ان تناءوا -أخوة
لا فرق بین "الفارسي" و "الشامي"!

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۵)

متن غایب: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الحجرات: ۱۰)

شاعر در یکی از قصاید خویش در منقبت امام علی (ع) به مسألهٔ غدیر و نزول آیه دربارهٔ ایشان اشاره نموده است و اینکه اگر پیامبر (ص) این مسأله را بیان نمی‌کرد، گویی تمام کارهای ایشان ناتمام مانده است:

فإذا أتی یوم الغدیر تنزّل
آیات رّبک کالنجوم اللمّع
قُم یا محمد، انها لرسالة
إن لم تبلّغها کأن لم تصدع

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۹)

متن غایب: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (الحجر: ۹۴)

شاعر با بهره‌گیری از الفاظ والای قرآنی شعر خویش را رنگ و بویی خاص و روحانی بخشیده است:

سبحان من خلق الوجود بأسره
إذ قال: کُن ... کان الوجود بأمره

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۷۴)

متن غایب: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)

عبدالمجید در وصف حضرت مهدی (عج) از ایشان خواسته که زودتر ظهور کند و از "طور سینین "سخن گفته است که به خاطر وجد و شعف خشوع کرده است و نیز اگر ایشان بر کوه "حوریب "ظهور کنند؛ قله‌های مرتفع آن از ترس یا طمع نزدیکی به امام (عج) از یکدیگر پاشیده می‌شود:

متی تجلیتَ یا مهدیَّ أمتنا
أو إن ظهرتَ علی"حوریب "انصدعت
و" طور سینین "مِن وجد به خشعا
أرکانه الشمُّ خوفاً منک أو طمعا

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۲۷)

متن غایب: «وَ طُورِ سِينِينَ» (التین: ۲) و: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (الحشر: ۲۱)

شاعر با بیان تأسف خویش از شهادت امام رضا) ع (با بهر هگیری از اسلوب قرآنی آرزو میکند شمشیری باشد تا دست کسانی را که به امام) ع (سم نوشانیدند؛ قطع کند و نیز آرزومند است کاش نهرِ جاودانگی باشد تا عمر خویش را به امام رضا) ع (ببخشد:

فیا لیتني کنتُ سیفاً /لقطّعت تلک الأیادي /فلم تزرع السمّ بین الورود /ولم تمنع الماء عن /مهرجان الشجر /... ویا لیتني کنت نهر الخلود /لأعطیت کل بقائي /لعمر" الرضا"

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۸-۱۳۹)

متن غایب: «إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» (النبأ: ۴۰)

عبدالمجید در شعری به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی (ع) به شباهت ایشان با پیامبر (ص) اشاره نموده و نیز اینکه وجود آنان کاملاً از رجس (پلیدی و ناپاکی) پاک و مبرا است:

یا (حسن) العترة /وشبیه نبي الله /ویا مجد القربی والبیت الذاهب عنه /الرجس بکن فیکون /فکان الأزکی... والأطهر/ یا بکر الزهراء /ویا قُبلة حجج السُّبُّوح /علی وجنة هارون الأمة/ یا شُبَّر(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۶۱)

متن غایب: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الأحزاب: ۳۳) و: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)

شاعر در مدح حضرت معصومه (س) نیز بار دیگر از الفاظ والای قرآنی بهره برده است:

جرح الأحبة فاغر ما التاما
يفري، ولا ندري له إيلاما
نأر الصبابة لا تُحرّق عاشقاً
وتكون بردًا فوقه وسلاما

(عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۷۹)

متن غایب: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (الأنبياء: ۶۹)

۳,۳ تلمیح

از مظاهر تأثیرپذیری از قرآن کریم در آثار شاعران و ادیبان، فراخوانی شخصیت‌های قرآنی است .شخصیت پیامبرانی مانند :آدم، یوسف، نوح، ایوب، موسی (علیهم السلام) و پیامبر اکرم (ص) و... و شخصیت هابیل و قابیل؛ (ر.ك رستم پور، ۱۳۸۴" ۲۲-۳۲) که گاهی از آن به تلمیح نیز یاد می‌شود .تلمیح یکی از صنایع ادبی است که کاربرد فراوانی در ذهن و زبان سرایندگان و خوانندگان دارد. البته «ناقدان عرب از آن به فراخوانی شخصیت‌های دینی یاد کرده‌اند» (میزایی و واحدی: ۱۳۸۸: ۳۱۸) تلمیح مصدر باب تفعیل به تقدیم لام از لمح به معنی نظر کردن عبارت است از آن که متکلم در کلام اشاره کند به قصهٔ معروفی یا شعر مشهوری یا مَثَل سائری بدون ذکر هر یک (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۵۴؛ نیز ر .ك التفتازانی، ۱۴۰۹: ۴۷۵؛ جرجانی، ۱۹۳۸ : ۲۹) ویا «تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان یا مثل یا آیه یا حدیث یا شعری اشاره شود. لازمهٔ دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مَثَل یا آیه یا شعر است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۶۶) این آرایه آن گونه است که «سخنور به یاری آن میتواند بافت معنایی سروده را ژرفا ببخشد و دریایی از اندیشه‌ها را در کوزه‌ای تنگ فرو ریزد.» (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۰)

عبدالمجید به" عام الفیل "و آمدن پرندگان موسوم به "أبابیل "اشاره نموده که سنگ‌هایی را حمل می‌کردند و با آن باعث نابودی سپاه بزرگ فیل شد:

وشهید الأمة "عمار"/ یا أنت /وأنت الاتباعُ وقد هبّوا لمؤازرتي / في "عام الفيل"/ و أنت "طيور أبابيل"/ وَ أنت "الأحجار (عبدالمجید، ۱۴۲۰ ق: ۱۵۱)

متن غایب: «وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ* تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ» (الفیل: ۳-۴)

حضرت یوسف (ع) یکی از پیامبران الهی است که سورهٔ دوازدهم قرآن کریم به نام ایشان پیرامون سرگذشت ایشان می‌باشد و از آغاز تا پایان نام حضرت یوسف (ع) ۲۷ بار در قرآن کریم ذکر شده است» (ابو خلیل، بی‌تا: ۶۵) یوسف (ع) نماد حُسن و معصومیت و پاکدامنی است که برادرانش به او حسادت و کینهتوزی کردند و توسط آنان به چاه انداخته شد .شاعر به قصه کور شدن حضرت یعقوب (ع) بر اثر گریهٔ فراوان در فراق فرزند، که در قرآن کریم آمده است، اشاره نموده و خود را کوری دانسته که با میلاد امام حسن مجتبی (ع) چشمانش بینا گشته است:

بهرتني أعراسُ الوجد /وقد كنتُ مَن أبيضت عيناه /من الحزن الجارف /فتمسّح في مهدك يوم الميلاد /فأشرق فيه الشوق اليعقوبي /وأبصرا!! (عبدالمجید، ۱۴۲۰۱۶۰)

متن غایب: «وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف :۸۴)

حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم الهی است که «نام ایشان ۱۳۶ بار در قرآن کریم ذکر گشته است» (ابوخلیل، بی‌تا :۷۳) در ادبیات هرجا نامی از موسی (ع) آمده، عصای وی نیز ذکر شده است و در کل موسی (ع) و عصای بهشتیش تشکیل یک نماد واحد را داده‌اند که بیانگر خرق عادت و معجزه‌گری است که شاعر این نماد را در این بیت به خوبی به کار برده است. حضرت یونس (ع) یکی از پیامبرانی است که بر قوم بنی اسرائیل مبعوث گشت . ایشان آن گاه که سوار کشتی گشتند به دریا افتاده و ماهی بزرگی ایشان را بلعید، پس از چند روز که در شکم ماهی به ذکر خدا پرداخته و به ستمی که بر قومش روا داشته و آنان را ترک کرده بود، اعتراف کرد توبه‌اش پذیرفته شده و از شکم ماهی خارج شد. شاعر در قصیده‌های به نام "منشور الغدیر" از اژدهایی سخن می‌گوید که وی را نجات خواهد بخشید یا از ماهی‌ای که وی را از شر اشرار روزگار حفظ کند که در آنها از قصهٔ حضرت موسی (ع) و یونس (ع) بهره برده است:

فتطاولْ يا ذاالرأس الشامخ /وانفحني في الطخية مجدافاً وشراعاً / واحبسْ عني عاصفة الحقد القرشيْ /وابعث تنيناً ينقذني /أو حوتاً يمنعني /من شر قراصنة الدهرْ (عبدالمجید، ۱٤۲۰ق: ۱۶۸)

متن غایب: «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ» (الأعراف: ۱۰۷) فَٱلْتَقَمَهُ ٱلْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ» (الصافات: ۱۴۲)

شاعر از حضرت خضر (ع) خواسته تا دیواری برای وی بسازد شاید که گنج‌های پیروزی زیر آن باشد و نیز از ذوالقرنین خواسته تا سدی بسازد که وی را در برابر حملات وحشیانه تاتار حفظ کند که از قرآن کریم بهره برده است:

يا (خضر الأمة)/.../ أقم اليوم جداري /فلرُّب كنوز النصر المحبوس /انطمرت تحتهْ /أو فأجعل ردماً . . . أو سدًّا/ يحجب عني غارات (التّتر) الهمجيّهْ / يا (ذا القرنين)...!

(عبدالمجید، ۱٤۲۰: ۱۶۹)

متن غایب: «وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي ٱلْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحاً فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِن رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيهِ صَبرًا» (الکهف: ۸۲) و «قَالُوا يا ذَا ٱلْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي ٱلْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجاً عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا * قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيرٌفَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْماً» (الکهف: ۹۴-۹۵)

نتایج

قرآن کریم از دیرباز و از زمان نزول در شعر و ادب تأثیر بسزایی داشته است و مضامین شعری را تغییر داده و شاعران با توانایی خاص خود از معانی و الفاظ والای آن تأثیر گرفته‌اند.

نتایج

این پژوهش را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ -معروف عبدالمجید یکی از شاعرانی است که با وجود گمنامی، از شعرای بلیغ ادب عربی است که متأسفانه کمتر به زندگی و دیوان وی پرداخته شده است.

۲ -شاعر تقریباً در مدایح نبوی و علوی و رضوی و مهدوی خویش -از الفاظ و معانی قرآنی الهام گرفته است.

۳ -وی گاهی از عین آیهٔ قرآنی یا الفاظ هم معنی آن و در پارهٔ دوم از شعر خود، از معانی و مضامین قرآنی بهره گرفته است و گاهی نیز به داستانهای قرآنی مانند داستان موسی (ع)، یوسف (ع)، یونس(ع) و نیز ابراهیم (ع) اهتمام داشته است.

فهرست منابع

کتابها و مقالات

- قرآن کریم .
- ابن أثیر، ضیاءالدین (۱۹۵۹ م). المثل السائر في ادب الکاتب و الشاعر، تحقیق احمد الحوفی، قاهره :دار النهضة العربیة.
- ابن الرومی(۱۴۰۷ ق). دیوان، تحقیق عبدالقادر المازنی، بیروت: المکتبة الحدیثة.
- ابن منظور، جمال الدین (بی‌تا). لسان العرب، بیروت: دارالصادر.
- ابوخلیل، شوقی (بی‌تا). اطلس القرآن، دمشق :المطبعة الهاشمیة.
- امرؤالقیس (۱۹۸۹ م).دیوان امرئ القیس، تحقیق :حنا الفاخوری، بیروت :دارالجیل.
- بنیس، محمد (۱۹۷۹ م). الشعر العربی المعاصر، بیروت: دارالعودة.
- التفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۴۰۹ ق) المطوّل، قم:مکتبة الداوری.
- جربوع، عزة (۲۰۰۲ م). التناص مع القرآن الکریم فی الشعر العربی المعاصر، مجله فکر و إبداع، شماره ۱۳.
- جرجانی، میر سیدشریف (۱۹۳۸ م). التعریفات، القاهرة: دارالمعارف.
- حاجی‌زاده، مهین و مسعود باوان پوری (۱۳۹۳ ه.ش) بررسی مدح علوی در دیوان بلون الغار بلون الغدیر اثر معروف عبدالمجید، پژوهشنامهٔ نهج‌البلاغه، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۵۹-۱۳۹.
- حلبي، شهاب الدین محمود (۱۹۸۰ م). حسن التوسل إلی صناعة الترسل، تحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد :وزارة الثقافة و الإعلام.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۴ه.ش). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران :انتشارات اساطیر.
خزعلی، انسیه (۱۳۸۳ ه.ش). امام حسین در شعر معاصر عربی، تهران: امیرکبیر.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰ ه.ش). پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، تهران :آهنگ قلم.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶ ه.ش). تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران :سمت.

- رستم‌پور، رقیه (۱۳۸۴ه.ش). التناص القرآنی فی شعر محمود درویش، مجلهٔ انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳، ص ۱۵-۳۴.
- زمخشری، محمد بن عمر (۱۹۸۸ م). أساس البلاغة، چاپ دوم، بیروت :دارالمعرفة.
عبدالمجید، معروف (۱۴۲۰ ق). دیوان بلون الغار بلون الغدیر، قم : مرکز الأبحاث العقائدیة.
عزام، محمد (۲۰۰۱ م). النص الغائب، بیروت :دارالمعارف.
- فکیکی، عبدالهادی (۱۹۹۶ م) الاقتباس من القرآن الکریم فی الشعر العربی، دمشق :منشورات دارالنمیر.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۳ه.ش). زیباییشناسی سخن پارسی (۳)، بدیع، تهران :نشر مرکز.
- مصاحب، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۰ه.ش). دایرةالمعارف فارسی، تهران :امیرکبیر.
- مطلوب، احمد (بی‌تا). معجم النقد العربی القدیم، بغداد: دارالشئون الثقافیة.
- مغنیه، حبیب یوسف (۱۹۹۵ م). الأدب العربی من ظهور الإسلام إلی نهایة العصر الراشدی، بیروت :دار و مکتبة الهلال.
- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸ه.ش). روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵ ، صص ۲۹۹-۳۲۲.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۵ه.ش). بدیع از دیدگاه زیباشناسی، چاپ دوم، تهران :انتشارات سمت.
- ولوی، سیمین و مسعود کوچکی (۱۳۹۲ ه.ش). مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید، مجلة الجمعیة العلمیة الإیرانیة للغة العربیة وآدابها، سال ۹، شماره ۲۹ ، صص ۱- ۱۹.
- هاشمی، احمد) ۱۳۸۰ .(جواهرالبلاغة، ترجمه محمود خورسندی و حمید مسجدسرایی، چاپ دوم، تهران :نشر فیض.
- هاشمی خراسانی، حجت (۱۳۷۲). مفصّل شرح مطوّل، قم: انتشارات حاذق.
- همایی، جلال الدین (۱۳۶۱ ه.ش). فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ پنجم، تهران :انتشارات توس.

منابع و سایتهای اینترنتی

- سایت شعراء اهل البیت (ع)، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
http://www.shoaraa.com
- سایت فارس نیوز، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
http://farsnews.net
- سایت مستبصرین، آخرین بازبینی ۹۴/۱۰/۳۰
http://www.mezan.net/mostabsirin/ma3rouf.htm